

## **A comparative study of personality disorder between demanding and no demanding divorce couples attending family counseling center in Sanandaj**

**Sina Valiee<sup>1</sup>, Shahram Sharifi<sup>2</sup>, Hajar Kashefi<sup>3</sup>, Farzaneh Khanpour<sup>4</sup>**

1-Associate Professor, Clinical Care Research Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

2- Master of Science in Technology, Educational Assistant, Continuous Education, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

3- Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.

4- MSc Clinical Psychology, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran (Corresponding Author).  
E-mail: far.khanpour@gmail.com

**Received:** 07/01/2020

**Accepted:** 26/02/2020

### **Abstract**

**Introduction:** Personality has a lasting effect on marital relationships and some personality traits increase tensions and conflicts among couples and these conflicts can threaten the continuation of marital life.

**Aim:** Considering the increasing divorce rate and the importance of personality disorder in this study, the aim of this study was to compare the level of personality disorder in couples applying for divorce referring to counseling centers and non-applicants for divorce in Sanandaj. The present research is a comparative study.

**Method:** The present study is a comparative study and the study population is the couples seeking and non-applying for divorce. 55 divorce applicants were selected through convenience sampling and 55 non-divorce applicants were selected by multistage cluster sampling in 2019 and completed the Millon III questionnaire. Data were analyzed by SPSS 21 software using independent t-test and one-way ANOVA.

**Results:** The results of this study showed that among couples applying for divorce and divorced couples, disclosure, desirability, schizoid, distraction, depression, affiliated, demonstrative, selfish, negative, selfish, schizotypal, borderline, anxiety disorder, Depressed mood, post traumatic stress, thinking disorder, major depression and delusional disorder ( $p < 0.05$ ). However, there are no significant differences in the scales of antisocial, anxiety, obsession, paranoid, pseudo-physical, manic, alcohol and drug dependence.

**Conclusion:** According to the results of the research, the significance of the most of the dimensions of personality disorder in divorce applicants and the high divorce rates in society, education and the creation of appropriate psychological treatments for increasing the knowledge and treatment of couples and reducing the divorce rate is necessary.

**Keywords:** Personality disorder, Divorce applicants, Non-divorced couples

---

**How to cite this article :** Valiee S, Sharifi Sh, Kashefi H, Khanpour F. A comparative study of personality disorder between demanding and no demanding divorce couples attending family counseling center in Sanandaj. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2020; 7 (1): 15-29 .  
URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-765-fa.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

## بررسی مقایسه‌ای اختلالات شخصیت بین زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاور خانواده و زوجین غیر متقاضی طلاق شهر سنندج

سینا ولیئی<sup>۱</sup>، شهرام شریفی<sup>۲</sup>، هاجر کاشفی<sup>۳</sup>، فرزانه خان پور<sup>۴</sup>

۱. دانشیار، گروه پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات مراقبت بالینی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۲. فوق لیسانس تکنولوژی آموزشی، معاونت آموزشی، آموزش مداوم، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۳. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۴. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: far.khanpour@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

### چکیده

**مقدمه:** شخصیت تأثیرات پایداری بر روابط زناشویی دارد و برخی از ویژگی‌های شخصیتی تنش‌ها و تعارضات را بین زوجین افزایش می‌دهد.

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی مقایسه‌ای میزان اختلال شخصیت در زوجین متقاضی طلاق و زوجین غیر متقاضیان طلاق شهرستان سنندج انجام شد.

**روش:** مطالعه حاضر علی مقایسه‌ای بوده و جامعه مورد مطالعه زوجین متقاضی و غیر متقاضی طلاق می‌باشند. ۵۵ نفر متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاور به روش نمونه‌گیری در دسترس و ۵۵ غیر متقاضی طلاق به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در سال ۱۳۹۷ انتخاب شدند و پرسشنامه میلون III را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۱ و با آزمون آماری تی مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه تجزیه و تحلیل شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که در بین زوجین متقاضی طلاق و زوجین غیر متقاضی طلاق مقیاس‌های بدنمایی، افشاگری، مطلوبیت، اسکیزوئید، دوری‌گزین، افسردگی، وابسته، نمایشی، خودشیفته، منفی‌گرا، خودآزار، اسکیزوتایپال، مرزی، اختلال اضطرابی، افسرده‌خویی، استرس پس از ضربه، اختلال تفکر، افسردگی اساسی و اختلال هذیانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ )؛ اما در مقیاس‌های الگوی ضداجتماعی، دیگرآزاری، وسواسی، پارانویید، شبه جسمی، مانیک، وابستگی به الكل و وابستگی به دارو تفاوت معنی‌داری بین دو گروه وجود ندارد.

**نتیجه‌گیری:** با توجه به اهمیت اختلال شخصیت در متقاضیان طلاق و بالا بودن آمار طلاق در جامعه، آموزش و نمایش روان‌شناختی برای بالا بردن آگاهی و کاهش آمار طلاق ضروری می‌نماید.

**کلیدواژه‌ها:** اختلال شخصیت، زوجین متقاضی طلاق، زوجین غیر متقاضی طلاق

## مقدمه

انسان در زندگی خود مقاطع و مراحل حساسی را پشت سر می‌گذارد و یکی از این مراحل حساس و سرنوشت‌ساز ازدواج است (محمدی، علیزاده و صداقت، ۲۰۱۱). خانواده یک نهاد اجتماعی است که مرد و زن با هم زندگی را برای تحقق برخی از مسئولیت‌های اجتماعی و شخصی شروع می‌کنند و علاوه بر تأمین نیاز اساسی زیست‌شناختی به لذت جنسی از طریق یک راه قابل قبول اجتماعی، سطح بالاتری از بلوغ شخصیت را به دست می‌آورند (لالین و شوی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵). انتقال از یک جامعه سنتی به مدرن مشکلات بالقوه‌ای مانند طلاق را ایجاد می‌کند (دهکردی و امیری، ۲۰۱۸) و طلاق به عنوان انحلال ازدواج تعریف می‌شود که در طی یک روند قانونی زندگی زناشویی دو نفر پایان می‌یابد (ماهارج<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸) و باعث احساس گناه و کاهش اعتماد به نفس فرد می‌گردد (اسمیت گرینوای و کلارک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). زوجین احساس می‌کنند که امنیت عاطفی آن‌ها تهدید می‌شود و سرخوردگی، احساس گناه، خشم و عزت نفس پایین را تجربه می‌کنند (فرهادیانی، نواب نژاد و شفیع آبادی، ۲۰۱۰)؛ بنابراین بسیاری از محققان طلاق را یک رویداد بحرانی در زندگی فرد می‌دانند (داودک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). ختم زندگی زناشویی با کاهش سلامت، افزایش مرگ و میر، سطح پایین رفاه ذهنی، سطوح بالای افسردگی و اضطراب و اختلال در عملکرد همراه است (کریستل و دیزنی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲).

آمارها نشان می‌دهند که تعداد طلاق در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است (موتاتیانو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵) به طوری که ۵۵٪ از ازدواج‌ها در ایالات متحده، ۴۵-۴۰٪ در استرالیا، انگلستان، آلمان و سوئیس به طلاق می‌انجامد (بردی اوزونی داوجی و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). بر اساس آمار رسمی در ایران از هر ۱۰۰۰۰ مورد ازدواج، حدود ۲۰۰ مورد به طلاق منجر می‌شود (بهرروز و همکاران، ۱۳۹۳) و در سال ۱۳۹۷ میزان طلاق به ۳۹ هزار رسیده است (زارعیان و چابکی، ۱۳۹۳) و ایران، چهارمین کشور جهان از نظر میزان نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (داودک<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲). استان کردستان رتبه هفتم میزان طلاق در کشور را دارد (آقایی، ۱۳۹۵) و این افزایش نرخ طلاق موجب نگرانی در میان متخصصان در زمینه‌های مختلف شده است (محمدی و همکاران، ۲۰۱۱).

طلاق علاوه بر زن و شوهر بر فرزندان و اقتصاد جامعه تأثیر می‌گذارد (پری و اشلیفر<sup>۹</sup>، ۲۰۱۸) و همچنین انحلال روابط زناشویی پیامدهای مهمی برای سلامتی فرد و جامعه به دنبال دارد (لندبرگ<sup>۹</sup>، ۲۰۱۲) و به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری و تغییر شکل جامعه است. ماهیت پیچیده طلاق و تأثیر آن بر مردان، زنان، کودکان و خانواده‌های آنان، طلاق را به عنوان عامل مهمی در سلامت روانی افراد و جامعه قرار می‌دهد (ماهارج، ۲۰۰۸).

عوامل مختلفی مانند عوامل اقتصادی و اجتماعی، عوامل محیطی و ژنتیکی، کیفیت ارتباط و تعهد به ازدواج و رفتارهای متضاد و مخرب و ویژگی‌های شخصیت در

<sup>1</sup>- Lalit b, Shiv g

<sup>2</sup>- Maharaj SB

<sup>3</sup>- Smith-Greenaway E, Clark S

<sup>4</sup>- Dudak A

<sup>5</sup>- Krystle L, Disney YW

<sup>6</sup>- Motataianu IR

<sup>7</sup>- Berdi Ozouni-Davaji R, et al

<sup>8</sup>- Perry SL, Schleifer C

<sup>9</sup>- Lundberg S

دارد (مالوف و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). پژوهش چن و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) نشان داد ویژگی های شخصیتی شریک زندگی می تواند سازگاری زوجین را پیش بینی نماید. نتایج پژوهش براتی و همکاران (۲۰۱۶) نیز به این نتیجه منجر شد که بین تیپ شخصیتی A<sup>۷</sup> و گرایش به طلاق رابطه ی مثبت و معناداری مشاهده گردید. همچنین نتایج پژوهش ویلن و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که اختلالات شخصیت در افراد متقاضی طلاق بیشتر از جمعیت عادی است (ویلن و همکاران به نقل از حاج نایب، گودرزی و قاسمی، ۱۳۹۴). در پژوهش بیرامی و جمالی (۲۰۱۴) در مقایسه اختلالات شخصیت در زوجین متقاضی طلاق با افراد عادی، نتایج نشان داد که بین افراد متقاضی و غیر متقاضی طلاق ارتباط معنی داری در اختلالات شخصیت وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش بهروز و همکاران (۲۰۱۵) در بررسی ویژگی های شخصیت در زوج های متقاضی طلاق و عادی، یافته ها نشان داد که بین عامل روان نژند<sup>۸</sup> و رضایت زناشویی رابطه ای منفی و بین توافق پذیری<sup>۹</sup> و گشودگی<sup>۱۰</sup> با رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد و بین زوج های عادی و متقاضی طلاق از نظر ویژگی های شخصیت تفاوت معنی داری وجود دارد. یکی از ارکان زندگی زناشویی موفق، سلامت روان زوجین است و اختلالات شخصیت از مباحث مهم روان پزشکی است که به گونه ای آشکار مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته است (نایب و همکاران، ۱۳۹۴). اگر چه وجود رابطه بین اختلال شخصیت و طلاق در مطالعات مختلف مشخص شده اما

ظهور طلاق مؤثر هستند (شاکری و همکاران، ۲۰۱۴). شخصیت عبارت است از الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش ها یا ویژگی هایی که تا اندازه ای به رفتار فرد دوام می بخشد. به طور اختصاصی تر، شخصیت، از صفات یا گرایش هایی تشکیل می شود که به تفاوت های فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و تداوم رفتار در موقعیت های مختلف می انجامد (گراس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). اختلالات شخصیت با الگوهای ماندگاری ادراک، ارتباط و تفکر درباره محیطی که در طیف وسیعی از زمینه های اجتماعی و شخصی نمایش داده می شوند، مشخص می شود. چنین الگوهایی منجر به اختلال بالینی یا اختلال در عملکرد اجتماعی، شغلی و یا سایر امور مهم زندگی می شود (ایلماز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). اختلالات شخصیت شایع و مزمن هستند و میزان شیوع آن ها در جامعه عمومی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد تخمین زده شده است (دونوی، موقتائی، تقوا، سالم<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). اختلالات شخصیت با اختلال در عملکرد در حوزه های مختلف بین فردی، از جمله روابط زناشویی همراه است. دشواری تعامل با دیگران، ناتوانی در حفظ روابط صمیمی یکی از ویژگی های اصلی اکثر اشکال آسیب شناسی شخصیت است که با افزایش قابل توجهی در احتمال درگیری های عاشقانه و خاتمه زناشویی همراه است (کریستل و دیزنی، ۲۰۱۲).

پژوهش سولومن و جاکسون<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) نیز نشان می دهد که ویژگی های شخصیت کیفیت کلی یک رابطه را شکل می دهند که به نوبه خود بر احتمال انحلال رابطه نیز تأثیر می گذارد و ارتباط زیادی بین ویژگی های شخصیت فرد و رضایت از رابطه و صمیمیت با شریک زندگی وجود

<sup>5</sup>- Malouff JM, et al

<sup>6</sup>- Chen Z, et al

<sup>7</sup>- Type A personality

<sup>8</sup>- Neuroticism

<sup>9</sup>- Agreeableness

<sup>10</sup>- Openness

<sup>1</sup>- Grass MG

<sup>2</sup>- Yilmaz A, et al

<sup>3</sup>- Donyavi V, Moghtadaei K, Taghva A, Salamat M

<sup>4</sup>- Solomon BC, Jackson JJ

تعیین انواع اختلالات شخصیت رایج در جوامع مختلف می‌تواند امکان برنامه ریزی و ارائه راهکارها را افزایش دهد. با توجه به اهمیت و افزایش چشمگیر طلاق در استان کردستان و همچنین اهمیت وجود اختلالات شخصیت در این امر مهم، بر آن شدیم میزان وجود اختلالات شخصیت و مقایسه میزان آن در زوجین متقاضی و غیر متقاضی را بررسی نماییم.

## روش

مطالعه حاضر مقطعی و از نوع علی مقایسه‌ای بود و جامعه مورد مطالعه شامل کلیه متقاضیان طلاق (زن و مرد) مراجعه کننده به مراکز مشاوره طلاق شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۷ بود. با هماهنگی دادگستری و نظام روانشناسی استان، لیست مراکز مشاوره طلاق تهیه گردید و سپس نمونه مور  $n = 104$  (زن  $n = 55$  و مرد  $n = 49$ ) در  $\mu_1 = 104$  مورد مطالعه قرار گرفت. معیارهای ورود به پژوهش شامل، متقاضی طلاق بودن و مراجعه از طرف دادگستری به مراکز مشاوره برای طلاق، سواد خواندن و نوشتن، عدم اعتیاد، تحت درمان روان‌شناختی نبودن و تمایل به شرکت در پژوهش بود و معیارهای خروج شامل عدم تکمیل تمامی سؤالات پرسش نامه در نظر گرفته شد. پرسشنامه میلون برای زنان و مردان مراجعه کنندگان برای طلاق، در محل مرکز مشاوره ارائه شد و بعد از تکمیل زوجین توسط نرم افزار پرسشنامه چند محوری بالینی میلون III آنالیز صورت گرفت. گروه شاهد از بین زوجین غیر متقاضی طلاق به روش خوشه ای چند مرحله‌ای از مناطق چهارگانه شهرستان سنندج انتخاب شدند. ابتدا سنندج به چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب در نظر گرفته شده و سپس در هر منطقه به صورت تصادفی ساده به درب

منازل مراجعه و پرسشنامه تکمیل گردید. غیر متقاضیان طلاق از لحاظ سن، جنس و متغیرهای اقتصادی- اجتماعی و فردی با متقاضیان طلاق همسان سازی شدند. لازم به ذکر است که پرسشنامه نمره گذاری دستی ندارد و توسط نرم افزار آنالیز شد و نمره نهایی در هر مقیاس توسط نرم افزار ارائه گردید و با توجه به نقاط برش وجود یا عدم وجود اختلال شخصیت در زوجین مشخص شد. با توجه به مطالعه قبلی (نوروز زاده، ۱۳۹۶) و با توجه به فرمول نمونه گیری و با توجه به مقادیر زیر تعداد ۵۵ نفر در هر گروه انتخاب گردید. شرکت کنندگان در پژوهش هزینه ای در قبال انجام تست پرداخت نکردند و برای حفظ محرمانه بودن، اسامی افراد بر روی پرسشنامه ها ذکر نگردید و همچنین قبل از تکمیل پرسشنامه رضایت آگاهانه از زوجین اخذ شد.

$$n \geq \frac{(Z_{1-\alpha/2} + Z_{1-\beta})^2 (\sigma_1^2 + \sigma_2^2 / r)}{(\mu_1 - \mu_2)^2}$$

## ابزار

جهت جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه های دو قسمتی مشخصات دموگرافیک (سن - جنسیت - تعداد سال‌های ازدواج - فرزند چندم خانواده بودن - شغل) و پرسشنامه اختلالات شخصیت میلون III استفاده شد. پرسشنامه چند محوری بالینی میلون! یک پرسشنامه خودسنج استاندارد شده است که دامنه گسترده ای از اطلاعات مربوط به شخصیت را می‌سنجد. این پرسشنامه برای بزرگسالان بالای ۱۸ سال که دست کم توانایی خواندن آنان تا سطح کلاس هشتم است طراحی شده است (گراس، ۲۰۱۳). پرسشنامه شامل بررسی شخصیت و

<sup>1</sup> - Inventory Multiphasic Personality Minnesota (MCMI)

واریانس یک طرفه استفاده و برای تمام آزمون ها سطح معناداری برابر ۵٪ در نظر گرفته شد.

### یافته‌ها

تعداد کل افراد مورد مطالعه ۱۱۰ نفر که از این تعداد ۵۵ نفر افراد متقاضی طلاق و ۵۵ نفر هم افراد غیر متقاضی طلاق بودند. تعداد ۵۷ نفر (۵۲/۳٪) زن و تعداد ۵۲ نفر (۴۷/۳٪) مرد بودند. در بین افراد مورد مطالعه تعداد ۲۱ نفر (۱۹/۱٪) از سطح درآمد کم، تعداد ۷۶ نفر (۶۹/۱٪) درآمد متوسط و تعداد ۲ نفر (۱/۸٪) از درآمد بالایی برخوردار بودند. تعداد ۱۸ نفر (۱۴/۶٪) دارای تحصیلات راهنمایی، تعداد ۳۳ نفر (۳۰٪) دیپلم، تعداد ۶ نفر (۵/۵٪) کاردانی، تعداد ۳۹ نفر (۳۵/۵٪) کارشناسی و تعداد ۱۲ نفر (۱۰/۹٪) کارشناسی ارشد بودند. در بین نمونه های مورد مطالعه بیشترین تعداد ۲۷ نفر (۲۶/۲٪) فرزند اول خانواده و کمترین تعداد ۳ نفر (۲/۹٪) فرزند ششم خانواده بودند. میانگین سن افراد شرکت داده شده در مطالعه برابر با ۳۵/۱۵ با انحراف معیار ۹/۴۹ سال می باشند کمترین سن مشاهده شده برابر با ۱۸ و بیشترین ۵۶ سال بوده است.

از بین ویژگی‌های دموگرافیک مورد مطالعه فقط سطح تحصیلات بین افراد گروه متقاضی طلاق و افراد غیر متقاضی متفاوت بود ( $P=۰/۰۰۰۰۱$ ) و در بقیه موارد تفاوت معنی داری بین دو گروه مورد مطالعه از نظر مشخصات دموگرافیک وجود نداشت.

برای مقایسه بین میانگین سن در دو گروه افراد متقاضی و غیر متقاضی طلاق از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده گردید، به این دلیل که مغیر وابسته (سن) یک متغیر کمی

عوامل بالینی است (سانچز، آمپودیا، جیمینزو آمادا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷) و معمولاً به طور متوسط تکمیل آن کمتر از ۳۰ دقیقه طول می کشد (حیدری و علی لو، ۲۰۱۵). نسخه اصلی این آزمون در سال ۱۹۷۷ توسط میلیون تدوین شد (جیمینز گومز، سانچز کرسپو، امپودی و روده<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). پرسشنامه شامل ۱۷۵ سؤال بله خیر است و شامل ۲۴ مقیاس بالینی و ۳ مقیاس تعدیل کننده است (خرم، رضایی و دولت شاهی، ۲۰۱۰). میلیون تصریح می کند که نمره های در دامنه ۷۵-۸۴ نشان می دهند که نشانگان یا الگو وجود دارد، در صورتی که نمره های ۸۵ یا بالاتر نشانگر برجستگی آن اختلال است (گراس، ۲۰۱۳). سازگاری MCCI-III، با DSM-IV انجمن روان پزشکی آمریکا، قابل قبول است (مارلو<sup>۳</sup> و همکاران، ۱۹۹۸ به نقل از درویشی زاده و دماوندی، ۲۰۱۰) و به طور گسترده ای در ایالات متحده آمریکا و در بسیاری از کشورهای دیگر برای ارزیابی روان پزشکی در انواع مختلف بالینی استفاده می شود (لویس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). چگینی و همکاران (۲۰۱۳) ویژگی های روان سنجی آزمون را بررسی و تحلیل داده ها نشان داد که پایایی به روش آلفای کرانباخ (۰/۶۴-۰/۸۹) است (چگینی و هوشمند، ۱۳۹۲). پس از جمع آوری و وارد نمودن داده ها در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱، برای توصیف متغیرهای کیفی از جداول و نمودارها (فراوانی و درصد) و برای متغیرهای کمی از شاخص های مرکزی و پراکندگی استفاده شد برای تجزیه و تحلیل داده ها، با توجه به کمی بودن متغیر وابسته، از آزمون تی دو نمونه مستقل و آنالیز

<sup>1</sup>- Sánchez G, Ampudia A, Jiménez F, Amado BG

<sup>2</sup>- Jiménez-Gómez F, Sánchez-Crespo G, Ampudia-Rueda A

<sup>3</sup>- Marlowe

<sup>4</sup>- Lewis JE

با توزیع نرمال و متغیر مستقل (گروه) یک متغیر کیفی دو حالتی بوده است.

جدول ۱ مقایسه میانگین متغیرهای کمی مورد مطالعه در گروه های مختلف

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معنی داری
سن	متقاضی	۲۹/۸۲	۶/۹۹۰	-۷/۱۴۵	۰/۰۰۰۰۱
	غیر متقاضی	۴۰/۵۷	۸/۶۱۵		

برای مقایسه افشاگری، مطلوبیت و بدنمایی در دو گروه متقاضی طلاق و غیر متقاضی از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده گردید. به این دلیل که مغیر وابسته (سن) یک متغیر کمی با توزیع نرمال و متغیر مستقل (گروه) یک متغیر کیفی دو حالتی بوده است. نتایج به شرح زیر است:

میانگین سن در افراد متقاضی طلاق برابر با ۲۹/۸۲ با انحراف معیار ۶/۹۹ سال و در گروه غیر متقاضی طلاق برابر با ۴۰/۵۷ با انحراف معیار ۸/۶۱۵ سال است نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که تفاوت معنی داری بین گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق از نظر میانگین سن وجود دارد (جدول ۱).

جدول ۲ مقایسه شاخص های تغییر دهنده در دو گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معنی داری
افشاگری	متقاضی	۶۸/۸۵	۸/۱۷۵	۲/۷۱۵	۰/۰۰۸
	غیر متقاضی	۶۰/۸۴	۲۰/۳۱۷		
مطلوبیت	متقاضی	۶۳/۴۴	۱۵/۶۶	-۳/۲۱۸	۰/۰۰۲
	غیر متقاضی	۷۳/۵۵	۱۷/۲۴		
بدنمایی	متقاضی	۵۰/۴۲	۲۴/۲۲	۴/۲۷۱	۰/۰۰۰۱
	غیر متقاضی	۳۰/۳۱	۲۵/۱۵		

رایج ترین الگو در بین شاخص های تغییر دهنده در گروه متقاضی طلاق افشاگری و در گروه غیر متقاضی طلاق مطلوبیت است.

مانند جداول قبلی با توجه به اینکه متغیر وابسته از نوع کمی با توزیع نرمال بوده است به همین دلیل برای مقایسه میانگین این متغیرهای کمی در سطوح متغیر کیفی دو حالتی از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده گردید که نتایج به شرح زیر است:

با توجه به مقادیر حاصل از آزمون تی می توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی داری بین دو گروه متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق از نظر شاخص های تغییر دهنده وجود دارد. در افراد متقاضی طلاق شاخص بدنمایی و افشاگری از میانگین بالاتری نسبت به افراد غیر متقاضی مشاهده شده است؛ ولی شاخص مطلوبیت در افراد متقاضی طلاق میانگین پایین تری نسبت به افراد غیر متقاضی دارد (جدول ۲).

جدول ۳ مقایسه الگوهای شخصیت بالینی در دو گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معنی داری
اسکیزوئید	متقاضی	۳۹/۹۶	۲۳/۵۱	۲/۸۸	۰/۰۰۵
	غیر متقاضی	۲۷/۲۵	۲۲/۶۴		
دوری گزین	متقاضی	۳۹/۷۸	۱۹/۱۲	۳/۹۹۷	۰/۰۰۰۱
	غیر متقاضی	۲۴/۷۵	۲۰/۳۱		
افسردگی	متقاضی	۵۵/۵۸	۲۳/۹۵	۳/۲۶۵	۰/۰۰۱
	غیر متقاضی	۴۰/۲۰	۲۵/۴۳		
وابسته	متقاضی	۳۶/۰۴	۲۴/۳۵	۳/۵۶۸	۰/۰۰۱
	غیر متقاضی	۲۱/۱۵	۱۸/۸۴		
نمایشی	متقاضی	۶۶/۹۱	۲۳/۱۰	-۳/۶۹۵	۰/۰۰۱
	غیر متقاضی	۸۴/۳۱	۲۶/۱۸		
خودشیفته	متقاضی	۴۲/۶۷	۲۲/۱۳	-۲/۰۱۹	۰/۰۴۶
	غیر متقاضی	۵۰/۴۰	۱۷/۷۷		
ضد اجتماعی	متقاضی	۲۲/۷۱	۱۷/۳۴	۰/۶۰۴	۰/۵۴۷
	غیر متقاضی	۲۴/۶۲	۱۵/۷۶		
دیگر آزار	متقاضی	۳۲/۶۹	۱۸/۹۷	۰/۷۵۵	۰/۴۵۱
	غیر متقاضی	۲۹/۹۸	۱۸/۶۲		
وسواسی	متقاضی	۷۳/۶۰	۲۸/۸۱	۱/۳۳۶	۰/۱۸۴
	غیر متقاضی	۶۶/۷۱	۲۵/۱۶		
منفی گرا	متقاضی	۵۱/۰۲	۲۹/۶۴	۲/۲۵۲	۰/۰۲۶
	غیر متقاضی	۳۸/۵۵	۲۸/۴۳۳		
خودآزار	متقاضی	۴۳/۹۵	۲۲/۵۱	۳/۴۷۰	۰/۰۰۱
	غیر متقاضی	۲۹/۷۶	۲۰/۲۹		

با توجه به اینکه متغیر وابسته از نوع کمی با توزیع نرمال بوده است به همین دلیل برای مقایسه میانگین این متغیرهای کمی در سطوح متغیر کیفی دو حالت از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده گردید. برای مقایسه بین زیر گروه های آسیب شناسی شدید در دو گروه مستقل از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده گردید که نتایج به شرح زیر است:

با توجه به نتایج جدول فوق همه الگوهای شخصیت بالینی به جز الگوی ضد اجتماعی، دیگر آزاری و وسواسی در بین متقاضیان طلاق و غیر متقاضیان دارای تفاوت معنی داری است و رایج ترین الگوی شخصیت بالینی در گروه متقاضی طلاق وسواسی و در گروه غیر متقاضی طلاق نمایشی است (جدول ۳).

جدول ۴ مقایسه آسیب شناسی شدید در دو گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معنی داری
اسکیزوتایپال	متقاضی	۵۸/۳۴	۲۱/۵۵۲	۲/۶۷۵	۰/۰۰۹
	غیر متقاضی	۲۴/۸۴	۱۶/۲۷۲		
مرزی	متقاضی	۴۱/۲۰	۲۱/۱۰۰	۳/۰۲۶	۰/۰۰۳
	غیر متقاضی	۲۹/۸۴	۱۸/۱۸۴		
پارانوئید	متقاضی	۴۲/۴۷	۲۲/۰۹۹	۰/۹۱۸	۰/۳۶۰
	غیر متقاضی	۳۸/۸۲	۱۹/۵۶۲		

در گروه متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق پارانوئید است (جدول ۴).

برای مقایسه بین زیر گروه های آسیب شناسی شدید در دو گروه مستقل از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده گردید که نتایج به شرح زیر است. در هر چهار زیر گروه میانگین در گروه افراد متقاضی بیشتر از میانگین در گروه غیر متقاضی بوده است.

با توجه به مقادیر حاصل از آزمون تی می توان نتیجه گرفت که تفاوت معنی داری بین دو گروه متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق از نظر اسکیزوتایپال و مرزی وجود دارد. در افراد متقاضی طلاق این دو شاخص از میانگین بالاتری نسبت به افراد غیر متقاضی مشاهده شده است. برای شاخص پارانوئید میانگین افراد متقاضی طلاق بیشتر از افراد غیر متقاضی است؛ ولی این تفاوت از نظر آماری معنی دار نیست. رایج ترین الگوی آسیب شناسی شدید

جدول ۵ مقایسه نشانگان بالینی در دو گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون	سطح معنی داری
اختلال اضطرابی	متقاضی	۴۹/۶۴	۲۱/۹۱۳	۳/۱۷۸	۰/۰۰۲
	غیر متقاضی	۳۵/۸۷	۲۳/۴۷۶		
اختلال شبه جسمی	متقاضی	۳۸/۹۶	۲۵/۵۸۷	۱/۸۸۳	۰/۰۶۲
	غیر متقاضی	۳۰/۴۹	۲۱/۴۲۹		
مانیک	متقاضی	۲۸/۲۷	۲۵/۸۳۷	۰/۹۸۰	۰/۳۲۹
	غیر متقاضی	۲۳/۵۸	۲۴/۳۱۷		
افسرده خویی	متقاضی	۴۹/۲۵	۱۸/۵۱۳	۶/۲۷۱	۰/۰۰۰۱
	غیر متقاضی	۲۷/۱۱	۱۸/۵۲۶		
وابستگی به الکل	متقاضی	۱۷/۹۶	۱۵/۴۶۹	۰/۷۳۹	۰/۴۶۲
	غیر متقاضی	۱۵/۸۲	۱۴/۹۸۲		
وابستگی به دارو	متقاضی	۱۹/۵۸	۱۵/۰۵۵	-۰/۰۸۱	۰/۹۳۶
	غیر متقاضی	۱۹/۸۰	۱۳/۲۳۱		
استرس پس از ضربه	متقاضی	۳۴/۴۴	۲۴/۳۲۹	۳/۸۶۰	۰/۰۰۰۱
	غیر متقاضی	۱۷/۰۹	۲۲/۷۷۱		

برای مقایسه بین زیر گروه های نشانگان شدید در دو گروه مستقل از آزمون تی دو نمونه مستقل استفاده گردید که نتایج به شرح زیر است. در هر سه زیر گروه میانگین در گروه افراد متقاضی بیشتر از میانگین در گروه غیر متقاضی بوده است.

تفاوت معنی داری بین دو گروه متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق از نظر شاخص های اختلال اضطرابی، افسرده خویی و استرس پس از ضربه وجود دارد، در بقیه موارد تفاوت معنی داری مشاهده نشده است و رایج ترین الگوی نشانگان بالینی در گروه متقاضی طلاق و غیر متقاضی اختلال اضطرابی است (جدول ۵).

جدول ۶ مقایسه نشانگان شدید در دو گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	تی	سطح معنی داری
اختلال تفکر	متقاضی	۴۹/۵۵	۲۰/۴۲	۴/۲۳۲	۰/۰۰۰۱
	غیر متقاضی	۳۲/۴۲	۲۱/۸۰		
افسردگی اساسی	متقاضی	۴۰/۴۴	۲۵/۱۸	۳/۳۲۵	۰/۰۰۱
	غیر متقاضی	۲۵/۰۴	۲۳/۳۶		
اختلال هذیانی	متقاضی	۳۳/۶۵	۲۴/۱۴	۲/۲۷۳	۰/۰۲۵
	غیر متقاضی	۲۴/۰۰	۱۹/۷۶		

در زوجین متقاضی طلاق و زوجین غیر متقاضی طلاق صورت گرفت و یافته های این پژوهش در راستای پژوهش هایی است که بیانگر تفاوت اختلال شخصیت در متقاضیان طلاق و غیر متقاضیان می باشند.

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان داد که در افراد متقاضی طلاق شاخص بدنمایی و افشاگری از میانگین بالاتری نسبت به افراد غیر متقاضی مشاهده شده است؛ ولی شاخص مطلوبیت در افراد متقاضی طلاق میانگین پایین تری نسبت به افراد غیر متقاضی دارد و تفاوت در هر سه مقیاس بین متقاضیان و غیر متقاضیان طلاق معنی دار شد. همه الگوهای شخصیت بالینی اسکیزوئید، دوری گزین، افسردگی، وابسته، نمایی، خودشیفته، منفی گرا و خودآزار بین گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق دارای تفاوت معنی داری بودند اما الگوی ضد اجتماعی، دیگر آزاری و وسواسی در بین متقاضیان

نتایج حاصل از مقایسه بین دو گروه متقاضی و غیر متقاضی طلاق از نظر شاخص نشانگان شدید می توان استنباط کرد که میانگین نمرات ابعاد این شاخص در گروه متقاضی طلاق بیشتر از گروه غیر متقاضی است و این تفاوت از نظر آماری معنی دار است (جدول ۶).

## بحث

عوامل مختلفی می توانند طلاق را به طرز قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهند و در این میان تمرکز بر عوامل شخصیتی و روانی زوجین دارای اهمیت فراوانی است (خرم و همکاران، ۲۰۱۰). شیوه های ارتباطی زوجین در درک، تفسیر و ارزیابی یکدیگر و رویدادهای مربوط به رابطه آنها، تأثیر قابل توجهی بر کیفیت روابط آنها دارد (بردی اوزونی داوجی و همکاران، ۲۰۱۸)؛ لذا پژوهش حاضر به منظور بررسی و مقایسه میزان اختلال شخصیت

طلاق و غیر متقاضیان دارای تفاوت معنی داری نیست. میانگین نمرات مقیاس‌های نمایشی، خود شیفته و ضد اجتماعی در افراد غیر متقاضی طلاق بیشتر از متقاضیان طلاق بود. تفاوت معنی داری بین دو گروه متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق از نظر اسکیزوتایپال و مرزی وجود دارد. در افراد متقاضی طلاق این دو شاخص از میانگین بالاتری نسبت به افراد غیر متقاضی مشاهده شده است؛ اما برای شاخص پارانوئید میانگین افراد متقاضی طلاق بیشتر از افراد غیر متقاضی است؛ ولی این تفاوت از نظر آماری معنی دار نمی‌باشد. تفاوت معنی داری بین دو گروه متقاضی طلاق و غیر متقاضی طلاق از نظر شاخص‌های اختلال اضطرابی، افسرده خوبی و استرس پس از ضربه وجود دارد؛ اما در اختلال شبه جسمی، مانیک، وابستگی به الکل و وابستگی به دارو تفاوت معنی داری مشاهده نشده است و نمرات متقاضیان طلاق در کل مقیاس‌های نشانگان بالینی بیشتر از گروه غیر متقاضی طلاق بود. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد که میانگین نمرات اختلال تفکر، افسردگی اساسی و اختلال هذیانی در گروه متقاضی طلاق بیشتر از گروه غیر متقاضی است و این تفاوت از نظر آماری معنی دار است. بیشترین میانگین (۸۴/۳) در افراد غیر متقاضی طلاق مربوط به شخصیت نمایشی و کمترین (۱۵/۸۲) مربوط به وابستگی به الکل و در افراد متقاضی طلاق بیشترین میانگین مربوط به اختلال شخصیت وسواسی (۷۳/۶۰) و کمترین (۱۷/۹۲) مربوط به وابستگی به الکل به دست آمده است.

نتایج پژوهش امیدوار و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که بین زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های عادی از نظر مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی (روان رنجوری، برونگرایی و گشودگی به تجربه)، اختلالات شخصیتی

(همه‌ی اختلالات شامل اسکیزوئید، اجتنابی، وابسته، نمایشی، ضداجتماعی، پارانوئید و مرزی به جز وسواسی و خودشیفته) و منبع کنترل در سطح  $p < 0/05$  تفاوت معنادار وجود دارد؛ اما در پژوهش حاضر مقیاس‌های نمایشی، ضداجتماعی و خودشیفته نمرات افراد غیر متقاضی طلاق بیشتر از متقاضیان است و حتی در مقیاس ضداجتماعی این تفاوت معنادار شده است. از دلایل احتمالی این عدم همسویی را می‌توان بافت فرهنگی استان‌ها عنوان کرد و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی دلایل آن بررسی گردد. با توجه به اینکه شخصیت نقش مهمی در رابطه زناشویی ایفا می‌کند عوامل شخصیت زوج‌های طلاق نیز با زوج‌هایی که ازدواج پایدار دارند، متفاوت هستند (لالین و شوی، ۱۹۹۵) و برخی از ویژگی‌های شخصیت و اختلالات روانی تنش‌ها و تعارضات را بین زوجین افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را مورد تهدید قرار می‌دهد (شاهمرادی، ۱۳۹۵).

نتایج پژوهش نوروز زاده و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد که زنان و مردان متقاضی طلاق و غیر متقاضی در سه الگوی بالینی شخصیت پارانوئید، دیگر آزار و منفی‌گرا با هم تفاوت معنی داری داشتند و متغیرهای شخصیتی اسکیزوئید، دوری‌گزین، افسرده، نمایشی، ضد اجتماعی، خودآزار، اسکیزوتایپال و پارانوئید نسبت به سایر متغیرهای شخصیتی با طلاق مرتبط بودند. در پژوهش حاضر مقیاس‌های تفاوت معنی داری با هم داشتند و ضریب ارتباط متغیرها با طلاق بررسی نگردید که با توجه به تفاوت معنی دار شدن مقیاس‌ها در پژوهش‌های مختلف پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این امر بررسی گردد تا بتوان ارتباط اختلال‌های مختلف را با

افزایش آمار طلاق در کشور ما، این مطالعات شروع تلاش های متمرکز برای توسعه درمان های زناشویی در آغاز شکایت در اختلافات زناشویی است و کارکنان قضایی و روانشناسان در این رابطه با مشکلات روانی و جنبه های شخصیت مراجعه کنندگان خود آگاه و اقدامات لازم را در این زمینه در نظر گیرند (لالین و شوی، ۱۹۹۵).

تعداد سؤالات زیاد پرسشنامه و تعداد کم زوجین یکی از محدودیت های عمده در این پژوهش بود. با توجه به اینکه برای حفظ رازداری اسامی بر روی پرسشنامه درج نگردید امکان بررسی وجود اختلال در هر زوج مقدور نبود و با توجه به اینکه برخی اختلالات شخصیت احتمال طلاق را افزایش می دهد پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی با حفظ رازداری مشخص شود احتمال طلاق در بین کدام اختلالات بیشتر است و مردان و زنان هر کدام بیشتر چه اختلالی را دارا هستند و اینکه آیا فرزند چندم خانواده بودن تأثیری بر میزان طلاق دارد و بررسی گردد میزان طلاق در کدام فرزندان بیشتر است.

### نتیجه گیری

با توجه به نتایج، پژوهش حاضر نشان داد میانگین خرده مقیاس های شخصیت در گروه متقاضی طلاق بیشتر و رابطه معناداری با گروه غیر متقاضیان دارد و همچنین با توجه به تأثیر زیاد ویژگی های شخصیتی بر همبستگی خانواده و تصمیم آنان به طلاق، لزوم انجام تست های شخصیتی قبل از ازدواج برای زوجین و دوره های آموزشی برای افزایش آگاهی و درمان های مناسب روان شناختی در نظر گرفته شود.

### سپاسگزاری

طلاق سنجید. همچنین نتایج پژوهش امیری و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که ویژگی شخصیت برون گرای<sup>۱</sup>، توافق گرا<sup>۲</sup>، وظیفه شناسی<sup>۳</sup>، پذیرا بودن<sup>۴</sup> و روان رنجوری<sup>۵</sup> رابطه معنی داری با رضایت زناشویی دارد. در پژوهش حاضر ضرایب پیش بینی مقیاس ها محاسبه نشده است که پیشنهاد می شود با توجه به اهمیت نقش پیش بینی صفات شخصیت در طلاق در پژوهش های آتی این مسئله مدنظر قرار گیرد.

در پژوهش ارفعی و همکاران (۲۰۱۲) بین دو گروه متقاضیان طلاق و غیر متقاضیان در مؤلفه های اسکیزوئید، اجتنابی، افسرده، وابسته، ضداجتماعی، آزارگر، دیگر آزار، اسکیزوتایپی، مرزی و پارانوئید تفاوت معناداری وجود داشت ( $p < 0/01$ ) و نمرات گروه مورد بیشتر بود؛ اما در مؤلفه های خودشیفتگی، وسواسی-جبری، منفی گرا- منفی گرا، منفعل و پرخاشگر بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود نداشت (آرپه- موسوی- کارداجی فوروسقه و غلیظه، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش حاضر در مقیاس های اسکیزوئید، افسرده، اسکیزوتایپی، وابسته، پارانوئید و وسواسی با پژوهش حاضر همسو و در خرده مقیاس های ضد اجتماعی، دیگر آزار، مرزی، خودشیفته و منفی گرا با پژوهش فوق غیر همسو است. با توجه به عدم همسویی برخی مقیاس ها در بررسی پژوهش های مختلف پیشنهاد می گردد در پژوهش های آتی دلایل این عدم همسویی بررسی گردد. با توجه به نتایج متفاوت در معنی دار شدن متغیرهای اختلال شخصیت در زوجین در پژوهش حاضر و پژوهش های همسو و غیر همسو، بررسی سیستماتیک و متاآنالیز در این زمینه صورت گیرد. با

<sup>1</sup>- Extraversi  
<sup>2</sup>- Agreeableness  
<sup>3</sup>- Conscientiousness  
<sup>4</sup>- Openness  
<sup>5</sup>- Neuroticism

divorce among divorce-applicant couples. *Journal of Research & Health*.8(1),21-31.

Byrami M, Gamahi M. (2011). Comparison of Cluster C Personality Disorders in Divorced Couples with Normal People. *Journal of Woman and Family Studies*. 4(14),1390-101.(In Persian)

Chen Z, Tanaka N, Uji M, Hiramura H, Shikai N, Fujihara S, et al. (2007). The role of personalities in the marital adjustment of Japanese couples. *Social Behavior and Personality: an international journal*.35(4),561-572.

Chgini M, Hoshmand. (2013). The Psychometric Properties of the Millon Multiple Clinical Questionnaire. *Journal of Advanced Psychological Research*.8(19),137-64(In Persian).

Donyavi V, Moghtadaei K, Taghva A, Salamat M. (2014). Relationship of personality disorders with suicidal-tendencies in a group of military soldiers. *Quarterly physician and nurse in razm*3(2),101-108.

Dudak A. (2012). The Selected Aspects Of Education Pursued By Divorced Fathers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.55,910-614.

Farghadani A, Navabinejad S, Shafiabady A. (2010). Designing a model based on mindfulness, nonexistential resistance to life and sociability focusing on search for meaning in life in divorced women. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.5,1650-1664.

Grass MG. (2013). *Psychosensory Guide*1, editor. Tehran: Pasha Sharifi Nikkhoo Mohammad Reza.

Hagnayeb Z, Godarzi A, Gasimi M. (2015). The relationship between personality disorders and personality dimensions in divorce applicants. *International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences*. (In Persian)

Heidari S, Aliloo MM. (2015). Comparative Evaluation of Cognitive Emotion Regulation between "B" Personality Disorders and Normal Persons. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.185,54-60.

Jafarian Dehkordi, Amiri M. (2018). Divorce: An International Multi- dimensional Challenge

این مقاله حاصل طرح تحقیقاتی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی دانشگاه کردستان با شماره پرونده IR.MUK.REC.1397.216 است. بدین وسیله مراتب قدردانی و سپاس خود را از کلیه افرادی که پاسخگو پرسشنامه‌ها بودند اعلام می‌نمایم و امید است با توجه به نقش مهم و تأثیرگذار مسائل روان‌شناختی، نتایج این پژوهش باعث آگاهی بیشتر و کاهش میزان طلاق در جامعه گردد.

## References

- Amidvar Y. (2015). Comparison of Personality Traits, Personality Disorders, and Marital Control Source in Normal and Divorce Applicants. Thesis. (In Persian)
- Amiri M, Farhoodi F, Abdolvand N, Bidakhavidi AR. (2011). A study of the relationship between Big-five personality traits and communication styles with marital satisfaction of married students majoring in public universities of Tehran. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*,30,685-689.
- Arphee AA, Mousavi S, Karadaghi G, forosqe M, Gholizadeh H. (2011). Comparison of personality disorder profile of women in divorce women with unmarried women in divorce in Tabriz city. *Annual Congress of Iranian Psychiatric Association*,28.
- Barati, Barati S, Mosavi M. (2015). Personality Type and Divorce in Women. *Contemporary Psychology*.215,3-10.(In Persian).
- Behroz B, Mohamadi F, Aliabadi SH, Kagbaf M, Hadarizadi N, Bhroz B. (2014). Comparison of Attributes and Attribution Styles in Normal and Divorced CoupleS. *Knowledge and Research in Applied Psychology*. 15(1),52-61.(In Persian)
- Berdi Ozouni-Davaji R, Farahbakhsh K, Esmaily M, Kazemi F.(2018). Effect of couple's schema therapy in decreasing couples' tendency to

- Saleh. *International Journal of Epidemiologic Research*.5(2),64-66.
- Jiménez-Gómez F, Sánchez-Crespo G, Ampudia-Rueda A. (2013). Is there a social desirability scale in the MMPI-2-RF? *Clínica y salud*.24(3),161-168.
- Khorram N, Resaei O, Dolatshahi B. (2010). Comparison between personality profiles of the parents with schizophrenic offspring and normal parents based on MCMI-III. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.5,901-904.
- Krystle L, Disney YW, Thomas FO. (2012). Personality Disorder Symptoms Are Differentially Related to Divorce Frequency. *J Fam Psychol*.26(6),959-965.
- Lalit b, shiv g. (1995). psychiatric morbidity and personality profile in divorce seeking couples. *Indian J Psychiat*.37(4),179-182.
- Lewis JE. (2010). The Brazilian-Portuguese MCMI-III: Diagnostic validity of the alcohol dependence and drug dependence scales.
- Lundberg S. (2012). Personality and marital surplus. *IZA Journal of Labor Economics*.3(1),1.
- Maharaj SB. (2008). Personality profiles in the 16 PF correlated with measures of distress in the Fisher's Divorce Adjustment Scale in divorced men. A dissertation submitted to the Faculty of Humanities, University of the Witwatersrand, Johannesburg in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Arts in Clinical Psychology.2-10.
- Malouff JM, Thorsteinsson EB, Schutte NS, Bhullar N, Rooke SE. (2010). The five-factor model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*.44(1),124-127.
- Mohamadi M. (2016). Kurdistan's seventh divorce in the country / Over 10,000 marriages registered. Mehr News Agency. <https://www.mehnews.com/news/3854014> (In Persian)
- Mohammadi R, Alizadeh K, Sedaghat M. (2011). Need for cognition and problem solving styles in divorce applicant couples and normal couples. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 30,894-898.
- Motataianu IR. (2015). The Relation between Anger and Emotional Synchronization in Children from Divorced Families. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.203,158-162.
- Noroz zadi V. (2017). Comparison of Personality Disorders of Divorce Applicant Couples Referred to Family Court in Comparison with Non-Applicant Persons. The first conference of social sciences, humanities education and psychology. (In Persian)
- Perry SL, Schleifer C. (2018). Till porn do us part? A longitudinal examination of pornography use and divorce. *The Journal of Sex Research*.55(3),284-296.
- Sánchez G, Ampudia A, Jiménez F, Amado BG. (2017). Contrasting the efficacy of the MMPI-2-RF overreporting scales in the detection of malingering. *The European Journal of Psychology Applied to Legal Context*.9(2),51-56.
- Shakerian A, Nazari A-M, Masoomi M, Ebrahimi P, Danai S. (2014). Inspecting the relationship between sexual satisfaction and marital problems of divorce-asking women in Sanandaj City family courts. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*.114,327-333.
- Shahmoradi S. (2016). Divorce predictors based on personality traits, mental disorders, and demographic characteristics. *Women and families*.11(35),61-80. (In Persian)
- Smith-Greenaway E, Clark S. (2017). Variation in the link between parental divorce and children's health disadvantage in low and high divorce settings. *SSM-population health*.3,473-486.
- Solomon BC, Jackson JJ. (2014). Why do personality traits predict divorce? Multiple pathways through satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*.106(6),978.
- Yılmaz A, Cumurcu BE, Etikan I, Hasbek E, Doruk S. (2014). The effect of personality disorders on asthma severity and quality of life. *Iranian Journal of Allergy Asthma and Immunology*.13(1),47-54.
- Zariyan M, CHboki A. (2017). Social Causes of Divorce in Women and Solutions. *Second International*

Congress on the Role of Women in Family  
and Community Health.347-53.(In Persian)

Zadeh MD, Damavandi AJ. (2010). The incidence of  
personality disorders among substance  
dependents and non-addicted psychiatric  
clients. *Procedia- Social and Behavioral  
Sciences* 5,781-784.